

پیش‌خودای

اشاراتی چند دربارهٔ «زندگی و زمانه محمدعلی فروغی»

جنبه‌های آشکار و پنهان یک نقش آفرینی تاریخی

عبدالحسین آذرنگ



کتابی که به شما معرفی می‌شود، پایان‌نامه دکتری نویسنده آن در دانشگاه یوتاست و با همان ساختار معمول در پایان‌نامه‌های دانشگاهی متکی به اسناد و منابع، مراعات اصول تحقیق و ضوابط علمی است که همواره استادان راهنما و

مشاور به دانشجویان خود توصیه می‌کنند. از این‌رو ترجمه پایان‌نامه‌هایی به زبان فارسی، به‌ویژه این پایان‌نامه که موازین پژوهشی در آنها رعایت شده‌اند و موضوع آنها برای خوانندگان ایرانی سودمند است، حتما به ارتقای پژوهش‌ها در ایران خصوصاً در میان دانشجویان کمک خواهد کرد. ناشر کتاب هم در یادداشت خود بر این نکته تأکید کرده است.

نویسنده در این اثر تحقیقی مجمل و به‌دور از حاشیه‌پردازی و تفصیل غیر لازم مهم‌ترین و اصلی‌ترین اطلاعات را درباره محمدعلی فروغی گردآوری، سرند و بررسی کرده است. برخی نکات که در باره او می‌گوید، به‌ویژه آنچه به اتکای اسناد وزارت خارجه انگلیس و امریکا و نشریه‌های خارجی در نوشته‌اش آورده است، شایسته توجه است. پژوهشگران تاریخ معاصر ما حتما در بررسی‌های خود به این نکات توجه خواهند کرد و نظر کارشناسانه خود را در نقد و معرفی‌ها ابراز خواهند داشت.

فروغی شخصیتی چند وجهی است. نقش سیاسی که او در یکی از حساس‌ترین دوره‌های تاریخی ایران به عهده گرفت و انتقال قدرت و سلطنت را ماهرانه ساماندهی کرد، با همه جنبه‌های آشکار و پنهان این ماجرا نقشی نبود که هر سیاستمداری بتواند به عهده بگیرد. تأثیرهای عمیقی که او در سیاست‌ها و فعالیت‌های فرهنگی عصر خود به جا گذاشت، تأثیراتی که هنوز هم ادامه و پیامد دارند، به این رودی‌ها از صدر فهرست موضوع‌های پژوهشی دارای اولویت خارج نخواهد شد. البته موافقان و مخالفان فروغی از هر دو



محمدعلی فروغی و اطرافیانش در سفر به امریکا

دست بسیارند. چالش میان آنها که معمولاً از مفروضات دیدگاه‌های تحلیلی مبتنی بر آنها سرچشمه می‌گیرد، شعله‌اش با هر بسند یا تحلیل تازه‌ای فروخته می‌شود. در حقیقت این چالش به فروغی و امثال او منحصر نیست. هر سیاستمداری که پیوندگاه میان دو فصل از تاریخ قرار بگیرد، چالش‌برانگیز است. چگونگی بسته و باز شدن دو فصل از تاریخ ایران از جهاتی با این کتاب روشن‌تر می‌شود، اما لاجرم پرسش‌هایی که به میان می‌آورد، در عین حال می‌تواند انگیزه‌ای برای مطالعات تازه‌ای باشد. به هر حال امیدوارم تاریخ‌پژوهان از این کتاب سود ببرند. دونگته درباره ترجمه این اثر را خوانندگان در میان می‌گذارم. در چند جای کتاب با پرسش‌هایی رویه‌رو شدم که با نویسنده در میان نهادم. ایشان هم درصدد پاسخ بر آمدند که متأسفانه حادانه ناگواری برای فرزندانش پیش آمد و هیچ حال و مجالی برایایش باقی نگذاشت که به سوالات پاسخ بدهند. از این‌رو در مواردی که مترجم خود می‌توانست رأساً تصمیم بگیرد، تصمیم گرفت و اعمال کرد، اما مواردی از حوزه اختیارات او خارج بود که به آنها خوانندگان می‌رسد:

– در چند جا که مطلب از روزنامه اطلاعات نقل شده، نقل به مضمون است، نه به عبارت. مترجم نتوانسته است که در مجموعه اسناد امین‌الغرب بوده و بخش مربوط به شترک فرهنگ به کوشش استاد ایرج افشار در مهدوی‌نامه به چاپ رسیده است. با انتشار این اسناد، اطلاعات تازه‌ای در باره آن شترک که جایگاه بسیار بااهمیتی در تاریخ نشر کتاب در ایران دارد و نیز برخی فعالیت‌های جنبی آن در اختیار قرار گرفته است که خوانندگان علاقه‌مند می‌توانند به آنها رجوع کنند. همچنین به برخی اطلاعات مهم دیگر در این باره که مت‌خاطرات احشام‌السلطنه و در منابع دیگر آمده پرداخته شده است.

– مطلبی که نویسنده در باره «شترک فرهنگ» نوشته است (ص ۶۶ کتاب) پیش از انتشار اسناد دست‌اولی است که در مجموعه اسناد امین‌الغرب بوده و بخش مربوط به شترک فرهنگ به کوشش استاد ایرج افشار در مهدوی‌نامه به چاپ رسیده است. با انتشار این اسناد، اطلاعات تازه‌ای در باره آن شترک که جایگاه بسیار بااهمیتی در تاریخ نشر کتاب در ایران دارد و نیز برخی فعالیت‌های جنبی آن در اختیار قرار گرفته است که خوانندگان علاقه‌مند می‌توانند به آنها رجوع کنند.

همچنین به برخی اطلاعات مهم دیگر در این باره که مت‌خاطرات احشام‌السلطنه و در منابع دیگر آمده پرداخته شده است.

تاریخ

کمد و گوگ ۸۸۴۹۸۴۲۸



«تأسیس کانون بانوان» اهداف از پیش تعیین شده و کار کرده

کانون کشف خشونت‌آمیز حجاب

علی احمدی فراهانی

بی‌تردید رویکرد خشونت‌آمیز و البته بی‌نتیجه «کشف حجاب رضاخانی» به پاره‌های زمینه‌سازی‌های به‌ظاهر مدنی و اجتماعی معطوف بود که «تأسیس کانون بانوان» در زمره آن به‌شمار می‌رود. محوری‌ترین هدف این نهاد دولت‌ساخته، به‌اذعان بانیان آن، ایجاد بسترها و تا حدودی سازوکارهای لازم برای تسهیل کشف حجاب بود و شاهد آن نیز آن است که پس از اعلام کشف حجاب، دیگر فعالیت چندانی در خوری از این گروه مشاهده نشد و نهایتاً رو به‌خمودی قرار کرد. هدف این کانون مورد بازبینی قرار گرفته‌اند. امید آنکه مقبول افتد.

رضاخان در بدو سلطنت خویش و از سر فرام‌گیری، به‌پارهای تظاهرات مذهبی دست می‌یازید. این رویکرد اما دوره‌ای کوتاه داشت و او پس از قبضه کردن قدرت، به تدریج ضرورتی برای‌ظاهرسازی نمی‌دید و رفته‌رفته بر آن شد که مکتوبات قلبی و اربابانش را نمایان سازد. با این‌همه قزاق سواد کوهی در آغاز، به سخن و اقدامی که دال بر تصمیم وی بر «کشف حجاب» باشد، دست نیازید و ترجیح داد که کلبه‌ایس کار به گونه‌ای خاموش و توسط برخی نهاد‌های به اصطلاح اجتماعی و مدنی زده شود. دراین‌باجو که سخن از کانون بانوان به مسان آمد و وست چین کردن زنانی که باید در آن الگوی نوین زن ایرانی را ترسیم کنند. در اردیبهشت ماه ۱۳۱۴، کلبه این کار زده شد، چنانکه بدرالملوک بامداد در این‌باره می‌نویسد: «در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۱۴ به‌اشاره اعلیحضرت رضاشاه کبیر و با دعوت وزیر معارف وقت، آقای علی‌اصغر حکمت‌عده‌ای از زنان فرهنگی انتخاب و به محل دار‌المعلمات و کوجه ظهیرالاسلام خیابان شاه‌آباد دعوت شدند. به آنها گفته شد مأموریت دارند جمعیتی تشکیل بدهند و اساسنامه آن را به نظر وزیر معارف برسانند. با حمایت دولت پیشقدم نهضت آزادی زنان ایران باشند. این جمعیت در جلسات تا بعد نام کانون بانوان را برای خود اختیار کرد.»^(۱)

هدف‌هایی که «اساسنامه» آن را آشکار ساخت
بی‌تردید برگزاری محفل جشن و بوق و کرنای لزوم متجدد شدن زن ایرانی، تنها با اعلام تأسیس یک جمعیت ونشست‌های اینچینی نمی‌توانست تحقق یابد که این مهم تنها با تنظیم اساسنامه‌ای دقیق و هدفمند تحقق می‌یافت. با اعلام آمادگی گروهی از زنان متجدد و همسو با اهداف خاص حکومت، اساسنامه کانون بانوان در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۱۴

بی‌تردید رویکرد خشونت‌آمیز و البته بی‌نتیجه «کشف حجاب رضاخانی» به پاره‌ای زمینه‌سازی‌های به‌ظاهر مدنی و اجتماعی معطوف بود که «تأسیس کانون بانوان» در زمره آن به‌شمار می‌رود. محوری‌ترین هدف این نهاد دولت‌ساخته، به‌اذعان بانیان آن، ایجاد بسترها و تا حدودی سازوکارهای لازم برای تسهیل کشف حجاب بود و شاهد آن نیز آن است که پس از اعلام کشف حجاب، دیگر فعالیت چندانی در خوری از این گروه مشاهده نشد و نهایتاً رو به‌خمودی و خاموشی نهاد

بدین صورت تنظیم شد: «کانون بانوان ایران به ریاست عالیبه والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی و معاضدت و مراقبت وزارت معارف برای اجرای مقاصد ذیل تأسیس می‌شود:
۱- تربیت فکری و اخلاقی بانوان و تعلیم خانه‌داری و پرورش طفل مطابق قواعد علمی به‌وسیله خطبه‌ها، نشریات، کلاس‌های اکابر و…
۲- تشویق به ورزش‌های متناسب برای تربیت جسمانی با رعایت اصول صحیح
۳- ایجاد مؤسسه‌های خیریه برای امداد به مادران بی‌بضاعت و اطفال بی‌سرپرست
۴- رغیب به سادگی در زندگی و استعمال امته وطنی
۵- این کانون بر طبق ماده ۵۸۷قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ش، شخصیت حقوقی دارد و رئیس آن نماینده کانون خواهد بود.»^(۲)

آغاز کار با چراغ خاموش!
کانون بانوان سه دور از مداخله در امور سیاسی و مذهبی (سهاده ۱۱ نظامنامه کانون) شروع به کار کرد و هاجر تربیت به ریاست آن انتخاب شد. با این همه قدرتند که برای حکومتی آن می‌دانستند که هدف غایی از تشکیل این نهاد چیست و این گروه قرار است تا زمینه‌چکاری را فراهم سازد. بی‌تردید هدف از تأسیس کانون بانوان، همانا فراهم کردن زمینه برای کشف حجاب بود، چنانکه بدرالملوک به صراحت به این نکته اشاره می‌کند: «ضمن سایر اقدامات اموارد قیدشده در اساسنامه^(۳) منظور اصلی، یعنی ترک چادر سیاه متدرجاً پیشرفت می‌یافتند. درحالی‌که زنان عضو جمعیت با راضی کردن خانواده‌های خود یکی یکی به برداشتن چادر مبادرت می‌ورزیدند و در مجالس سخنرانی سایر بانوان را تشویق به ترک کف سیاه می‌کردند. طوری که در هر نوبت از مجلس و اجتماعات کانون عده تازه‌ای از بانوان بدون چسادر حضور می‌یافتند. درحالی‌که زنان فرهنگی در صف مقدم آنها بودند…»^(۴)

از شواهدی که این گمانه را تقویت می‌کند، سخنانی است که برخی وابستگان به رضاخان در سال‌های بعد در این‌باره گفته و نوشته‌اند. محمدرضا پهلوی در کتاب مردان خودساخته در توجیه و تقدیر از اقدام پدرش برای کشف حجاب می‌نویسد: «فقط پدر من بود که بعد از رهایی از قسمتی از گرفتاری‌ها به این امر توجه کرد و درصدد برآمد زن‌های ایران را که جز نفوس کشور محسوب نمی‌شدند، از چادر ظلمت بیرون بیاورد و با اجرای این آرزوی ملی جمعیت را دو به برابر افزایش دهد.»^(۵)

مروزی بر کارکردهای «کانون بانوان»
ارزیابی اهداف و جهت‌گیری اقدامات انجام‌شده در کانون بانوان که تا حدی به گسترش حیطه فعالیت‌های آن انجامید، نشانگر آن است که در مراحل اولیه‌به‌فعالیت آن در دوران رضاشاه هدف

اولین بخش این اقدامات امور تبلیغی و فرهنگی در قالب برگزاری جشن‌ها و سخنرانی‌های^(۶) متعدد بود. به گفته صدیقه دولت‌آبادی در تمام سال از اول مهر ماه تا پایان سال سخنرانی‌های تربیتی، بهداشتی و اجتماعی در کانون ترتیب داده می‌شد و هر ماه چندین حلقه از فیلم‌های تربیتی نیز به نمایش در می‌آمد.

از جمله در متحدالعمال هفتگی وزارت امور خارجه مورخ ۲۰/۱۰/۱۳۱۵ گزارشی از جشن‌های سالگرد ۱۷ دی در مناطق مختلف کشور ارائه شد که در پایان تلگراف‌هایی از طرف کانون بانوان در تبریک این روز به رضاشاه و ملکه پهلوی مخابره شد که یکی از این تلگراف‌ها از طرف کانون بانوان و کارکنان آموزشگاه‌های اصفهان است. یخشنامه هفتگی وزارت امور خارجه در مورد مراسم جشن ۱۷ دی ۱۳۱۶ از زره دختران در امجدیه در حضور وزیر معارف و برگزاری جشن در کانون بانوان گزارش داد. در ضمن سخنرانی وزیر معارف در کانون بعد از سرودخوانی دوشیزگان دبستان الوند نمایشنامه‌ای در سه پرده توسط دختران دانش‌آموز اجرا شد و در پایان تلگرافی به کاخ شاهنشاهی مخابره و مراتب سپاسگزاری بانوان ایران به شاه اعلام شد.

از سخنرانی‌های دیگر کانون بانوان می‌توان به «حالات تاریخی حقوق زن»، «خودم را به‌جای زن می‌گذارم» که از سوی نویسنده کتاب شریک مرد ایراد شد، اشاره کرد.

کانون و تلاش برای اعطای حق طلاق به زنان

بخش دیگری از اقدامات کانون بانوان مربوط به امور اجتماعی و رسیدگی به مشکلات متعددی است که زنان با آنها سر و کار داشته و خواهان مساعدت کانون بوده‌اند. از جمله زنی با نام خیمه شریعی از تبریز به دفتر شاهنشاهی نامه‌ای ارسال

و با ذکر مصائب و مشکلات خود به دلیل آشنایی با آداب معاشرت تقاضای کمک و رجوع شغلی را به خود کرده است. نخست‌وزیر نیز ضمن نامه‌ای به وزارت معارف خواهان معرفی وی به کانون بانوان به‌منظور استفاده از تجارب وی شده است. همچنین اسنادی درباره واگذاری لباس عید تقران با عزل رضاشاه و پیدایش جریان و طیف وسیعی در رد هر آنچه مربوط به دوره قبل، از جمله کشف حجاب و متعلقات آن بود، از لحاظ ادعی زمانی، محل و معنایی برای حمایت‌های اجتماعی حکومت محمدرضا(۵) از کانون بانوان حداقل برای یک دوره زمانی کوتاه وجود نداشت و این فرصتی بود که در کنار کم‌رنگ شدن نقش کانون، حرکت‌ها و جمعیت‌های دیگری نیز فرصت ابراز وجود بیابند.

از لحاظ محتوایی برنامه‌هایی که در مؤسسات کانون پیاده می‌شد، می‌توان گفت همه آنها در جهت تسریع روند وابستگی فرهنگی و اقتصادی بود، زیرا الگوهایی که در ابعاد مختلف برای زن ایرانی مطرح می‌شد، الگوهایی برآمده از درون جامعه ایران نبود و اگر مؤسسه‌ای به‌عنوان تربیت‌مادر تأسیس شد، مامری مطرح می‌شد که با معیارهای خارجی منطبق باشد. حتی در تدریس اصلی‌ترین دروس این آموزشگاه نظیر روابط خانوادگی از زنان خارجی استفاده می‌شد. بنا به گزارش صدیقه دولت‌آبادی^(۷) و اسناد موجود در هنرستان خیاطی هیچ‌گونه الگوی داخلی برای پوشش زنان پیشنهاد نشد^(۸) و بدین وسیله راه برای سرسازیر شدن کالاهای مصرفی برای ارضای این نیازهای القاشده باز گذاشته شد. از سوی دیگر کانون بانوان وابسته به دولت شامل حال زنان تمام طبقات و متوجه رفاه آنها نبود و به جنبه‌هایی از ظواهر زندگی می‌پرداخت.^(۹) همین امر راه را برای مطرح ساختن حقوق جدی زنان و احقاق آن مسدود ساخت و بنابراین صرف‌نظر از مرحله اول از فعالیت‌های کانون بانوان که به دلیل محوری بودن اقدامات آن در اجرای سریع و فراگیر کشف حجاب توجه ویژه‌ای از طرف حکومت پهلوی به کاتون بانوان صورت می‌گرفت، مرحله دوم فعالیت‌های کانون بر خلاف تمامی تبلیغاتی که آن را به عنوان مهم‌ترین مرکز انعکاس مسائل زنان جامعه معرفی می‌کرد، تنها به صورت مؤسسه‌ای و فرهنگی ظهور یافت که در ارتقای سطح فکری و فرهنگی زنان در انطباق با فرهنگ ترویجی و ترویج‌شده از سوی حکومت تلاش می‌کرد. در همین راستا مطالعه اسناد کانون بانوان در این مرحله از فعالیت‌هایش بسیار گویاست: بر اساس اسناد پراکنده‌ای که از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۷ش، در سازمان اسنادی ملی ایران مربوط به کانون وجود دارد، اقدامات و فعالیت‌های کانون در جنبه‌های مختلف فرهنگی، تبلیغی، اجتماعی، سیاسی و اداری صورت گرفته است.

رضاخان در بازدید از یک مدرسه دخترانه در دوره آغازین کشف حجاب

روزنامه جوان | شماره ۴۳۹۸

شرکت مادی و معنوی در تمامی امور زندگی اشتراکی خود داشته باشند و مخصوصاً در اجرای طلاق رضایت زن را هم مدخلیت بدهند.»

در زمینه اعطای حق طلاق به زنان و تغییر قانون ازدواج، عملیات تبلیغی گسترده‌ای در سال ۱۳۱۰ صورت گرفت که لایحه آن به مجلس ارجاع شد و حتی در نشریات خارجی نیز انعکاس وسیعی یافت.

فعالیت‌های کانون در ابعاد بین‌المللی

اقدامات کانون بانوان در ابعاد بین‌المللی و در بین جامعه زنان دیگر کشورها و ارتباطی که با آنها داشت قابل ارزیابی است. در این باره نامه‌ای از سوی رئیس کانون به نخست‌وزیر وقت در خرداد سال ۱۳۱۸ نوشته شد که خبر از انعکاس اقدامات کانون بانوان در انجمن زنان امریکا می‌دهد. متن نامه از این قرار است:

«مقام جناب آقای نخست‌وزیر

با کمال احترام تصدیق می‌دهد نامه پیوست که سواد خود را در بر دارد، از انجمن زنان امریکا رسیده است، در اثر تحقیقات از مقامات مربوطه‌شان معلوم شد، این انجمن پنج ساله و برای ترقی زنان خوب کار می‌کند. از مقام کفالت وزارت فرهنگ پرسش شد اگر اجازه فرمایند جواب مناسبی به آنها داده شود ـ فرمودند ـ به عرض مقام عالی برسانند تا هر چه مقتضی است امر و اجرا شود.» در جواب نامه اینگونه نوشته شده است: «مجمع کانون بانوان ایران، کلوب خانم‌ها نیست و یک کانون تربیتی و نهضت بانوان است که بر ضد جهالت مبارزه می‌کند. کلاس‌های مخصوصی برای این‌کار دارد و تا کنون موفقیت‌های شایانی به دست آورده و دائماً در ترقی زنان اقدام و در ترویج ورزش برای زنان کوشیده است.»

سقوط رضاخان و از هم گسیختگی کانون
در سال ۱۳۲۰ با سقوط رضاشاه و اوضاع نابسامان سیاسی – اجتماعی کانون بانوان با مشکلات عدیده‌ای مواجه شد. برابر گزارش‌ها که به محمدعلی فروغی، نخست‌وزیر در تاریخ ۱۹/۱۱/۱۳۲۰ ارائه شد کانون در برابر هزینه ۲۶۰۰ ریال با مبلغ ۲۷۶۰۰ ریال کسر بودجه روبه‌رو بوده است.

ریاست کانون در نامه دیگری در تاریخ اول مرداد ۱۳۲۱ خطاب به نخست‌وزیر علاوه بر تأکید به مشکلات قبلی به حکم تخلیه مالک محل کانون اشاره و تقاضای توجیه و کمک را مطرح می‌کند. با بررسی مکاتبات بعدی با نخست‌وزیر وقت در مهرماه ۱۳۲۲ مشخص می‌شود بی‌توجهی به



رضاخان در بازدید از یک مدرسه دخترانه در دوره آغازین کشف حجاب

خواسته‌های مدیر کانون آن را به چنان فلاکتی افکند که با تخلیه محل قبلی ائاثیه کتابخانه کانون را به یکی از عمارت‌های وزارت دارایی منتقل می‌کنند، اما با فشار دکتر میلسیو، رئیس کل دارایی این محل نیز تخلیه می‌شود. همچنین در همین نامه به توقیف شماره اول مجله زبان زنان، راگ‌ران کانون بانوان به دستور نخست‌وزیر وقت، قوام اشاره شده که دلیل آن درج مقاله‌ای راجع به وضعیت نانوائی‌ها در آن بوده است.

نکته‌ای که در مکاتبات اداری سال‌های بعد کانون وجود دارد، ذکر مداوم و مستمر مشکل اصلی کانون یعنی نداشتن جا و مکان مناسب در کنار هر مورد خاصی که برای تقاضای آن مکاتبه با مسئولان صورت گرفته، است.

پی‌نوشت‌ها:

(۱) بدرالملوک بامداد، هدف پرورش زنان، ج ۱، ص ۸۹
(۲) منوچهر خدایار محبی، شریک مرد، صص ۹۴–۹۳ و نیز، بدرالملوک بامداد، همان، ج ۱، صص ۹۱–۸۹ و فرهنگ مصاحب، ج ۱، ص ۲۱۶۵

(۳) بدرالملوک بامداد، همان، صص ۹۲–۹۱
(۴) محمدرضا پهلوی، مردان خودساخته، تهران، اقبال، ۱۳۳۵، ص ۳۳
(۵) محمدرضا پهلوی، مأموریت برای وطنم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷، ص ۴۶۸–۴۶۷

(۶) صدیقه دولت‌آبادی، «گزارش پایان سیزدهمین سال تحصیلی کاتون بانوان»، روزنامه ندای بانوان، ۱۴ تیر ماه ۱۳۲۷، سال اول، ش ۲۹، صص ۱–۴
(۷) سهیلا شهباشی، نگاهی گذرا به جنبش‌های زنان در ایران، ص ۱۹
(۸) همان
(۹) صدیقه دولت‌آبادی، «گزارش پایان سیزدهمین سال تحصیلی کانون بانوان»

اعضای کانون بانوان ایران در بدو تأسیس آن

شمس پهلوی اولین رئیس کانون بانوان در کنار حیوانات همسرش آموز خود